

مقایسه دور از مقایسه

رویکرد یادگیری بدون رقابت

دکتر لیلا سلیقه دار

خوبی ندارم.»

خاطره‌ی یاد شده به نقل از آقای دکتر مجدفر، در بازدیدی از یک دبستان، به تجربه‌ای اشاره می‌کند که شاید همه‌ی ما نمونه‌های مشابهی از آن را در دبستان‌ها دیده یا شنیده‌ایم. این نوع فعالیت‌ها از توجه برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های مدرسه به ایجاد انگیزه‌ی تلاش بیشتر در دانش‌آموزان برخاسته است. غافل از اینکه این نگاه و فعالیت‌های مشابه، به دانش‌اندک‌ی‌ها مغایر با مبانی تربیتی و آموزشی مربوط می‌شود که در آن ایجاد رقابت بین فردی در افراد، به‌ویژه کودکان را در مسیر یادگیری، نامناسب و حاوی ارزش‌هایی می‌داند که به قیمت از میان بردن ارزش‌های والاتر اخلاقی و انسانی تمام می‌شوند.

اشاره

در برنامه‌ی درسی ملی، در بخش اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اشاره شده است که برنامه‌ی درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه‌ی دانش‌آموز در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری توجه کند و زمینه‌ی تقویت و توسعه‌ی روحیه‌ی پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد. بر این اساس، پرسش مهمی ایجاد می‌شود که فعالیت‌های عادی شده‌ای مانند ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان که به‌صورت ماهیتی با اصل یاد شده مغایرت دارد، چه نقش و جایگاهی خواهد داشت. نوشته‌ی پیش‌رو به تبیین این مهم اختصاص دارد.

رقابت، بودن یا نبودن؟

گور ویدال در کتاب «فرهنگ گفته‌های طنزآمیز» می‌گوید: «در رقابت، پیروز شدن شما کافی نیست، شکست دیگران هم لازم است.» اشاره‌ی این نویسنده به موضوع رقابت، زوایای آسیب‌رسان رقابت بین‌فردی را به روشنی نشان می‌دهد. هنگامی که کودکی با کودک یا افراد دیگر مقایسه می‌شود، خاص بودن وی به‌عنوان مخلوق منحصر به فرد خداوند زیر سؤال می‌رود. این در حالی است که هر دانش‌آموز کوله‌ی شخصی خود را بر دوش دارد و با آهنگ یادگیری خود رشد و حرکت می‌کند. او به واسطه‌ی شخصیت، انگیزش، دانش و نیاز و رفتارش، منحصر به فرد است. به همین سبب، مقایسه‌ی بین هر فرد با دیگری، جز بطلان مبانی تربیت و آموزش، مبنای دیگری ندارد. بر همین اساس است که **دکتر سیف** در کتاب «روانشناسی پرورشی نوین» توصیه می‌کند که نسبت به اختلاف‌های

وارد دبستانی شدم که دیواری از آن به نقاشی زیبایی از امواج دریا اختصاص داشت. موج‌ها بالا و پایین می‌رفتند و به‌جای ماهی‌ها و موجودات دریایی، عکس کودکان در لابه‌لای آن‌ها دیده می‌شد. تصویر آن‌قدر بزرگ و زیبا طراحی شده بود که ضمن جلب توجه، پرسش از عکس بچه‌ها و چرایی تفاوت چسباندن عکس‌ها در جاهای مختلف آن را ناخودآگاه به همراه داشت. مدیر مدرسه این تابلو را نشانه‌ای از رقابت بین دانش‌آموزان و انگیزه‌مند کردن آن‌ها برای پیشرفت بیشترشان معرفی کرد و گفت، دانش‌آموزانی که عکس آن‌ها در بخش‌های پایین‌تر موج است، یعنی رشد خوبی نداشته‌اند و آن‌هایی که در بالای موج قرار دارند، یعنی پیشرفت خوبی داشته‌اند. این موضوع تعجب‌برانگیز بود، به‌ویژه زمانی که خودم را جای یکی از آن دانش‌آموزانی گذاشتم که عکسش در پایین موج‌ها قرار داشت و مدام به خودش گوشزد و به دیگران اعلام می‌کرد: «من پیشرفت



انجام فعالیت‌ها رویکرد مبتنی بر محوریت خود را برمی‌گزیند، در برابر کلاسی با رویکرد یادگیرنده محور، شرایط دشواری برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان خواهد داشت. بر این اساس، تمام شیوه‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموزان محور یادگیری هستند و فعالیت‌های مورد انتظار آنان، برای دستیابی به مقاصد آموزشی متنوع، عمیق و محوری است. در این صورت، انگیزه‌های قوی‌تری برای دنبال کردن جریان یادگیری وجود دارد و نیازی به ایجاد رقابت و مقایسه‌ی افراد با یکدیگر نیست. **زری بدرلو** آموزگار پایه‌ی ششم، در مجموعه‌ای با نام «در کلاس من» تجربه‌ی تدریس خود درباره‌ی جایگزین‌هایی برای رقابت را شرح می‌دهد:

در کلاس من

قبل از تدریس، اهداف را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کنم. اینکه چه چیزهایی قرار است یاد بگیرند و چه مسائلی را بایستی بتوانند حل کنند. این کار موجب می‌شود تا هر دانش‌آموز به نقطه‌ی آغاز خود و در نهایت به میزان دریافت خود از مسئله توجه بیشتری داشته باشد.

برای ایجاد ارتباط بین درس جدید با آموخته‌های قبلی دانش‌آموزانم، تلاش می‌کنم سؤالاتی را طراحی کنم که امکان پاسخگویی به آن‌ها و یادآوری مطالب گذشته برای همگی وجود داشته باشد. همچنین، با پرسش مثال‌های بیشتر درخصوص مفهوم درس جدید از دانش‌آموزان، آن‌ها را برای تفکر بیشتر و تکیه بر قوای ذهنی خود ترغیب می‌کنم.

چالش‌های آغازین کلاس درس

از جمله مهم‌ترین بخش‌های هر فرایند یاددهی یادگیری، آغاز درس و چگونگی فعالیت‌های مربوط به آن است. هر اندازه این فعالیت‌ها چالش‌برانگیز و جذاب باشند و در ارتباط با محتوای آموزشی ابهام معنادار و مؤثری داشته باشند، به همان اندازه دانش‌آموزان قوای بیشتری را برای دریافت و پردازش محتوای آن به‌کار می‌گیرند. از طرف دیگر، این بخش از فرایند یاددهی یادگیری تأثیر بسزایی در جلب و جذب و توجه دانش‌آموزان

فردی یادگیرندگان با احترام برخورد کنید. در یادگیری هرگز دانش‌آموزان را به رقابت وادار نکنید و از یکسان بار آوردن آن‌ها بپرهیزید. بدیهی است، هنگامی که با مقایسه مخالف هستیم و آن را موجب ایجاد اختلالات شخصیتی و آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌دانیم، در فعالیت‌های خود برای رقابت جایگاهی در نظر نمی‌گیریم. زیرا در رقابت، اگر در حالتی خوش‌بینانه، جنبه‌ای از ارزش‌های فردی تقویت شود، از سایر جنبه‌های او غفلت می‌شود و شکست‌خورده‌گان نیز به مرور ناتوانی خود را باور می‌کنند.

منظور ما از رقابت

لازم به توضیح است که محدوده‌ی رقابت در این نوشته و مطابق با مبانی خاص تعلیم و تربیت، به مقایسه‌ی بین افراد و در حوزه‌ی یادگیری آن‌ها مربوط می‌شود. به همین سبب، مسابقات گروهی و فعالیت‌های مشارکت گروهی و همکاری بین افراد، موردنظر در نقد رقابت این نوشته نیست. امروزه در مدارس، همکاری و مشارکت به‌عنوان هدف و نیز راهی برای شکوفایی وجودی دانش‌آموزان شناخته و بر آن تأکید می‌شود. در این معنا، هنگامی که افراد یا گروه‌هایی برای رسیدن به هدف معینی ترغیب و ناچار به همراهی و همکاری با یکدیگر می‌شوند، ضمن به‌کارگیری تلاش و همت خود، ناگزیر به یاری رساندن نیز هستند. از این رو، آثار منفی ناشی از رقابت که غالباً در بعد عاطفی بیشتر دیده می‌شود، در این حالت از میان خواهد رفت.

جایگزین رقابت

با توجه به موارد یاد شده، به‌نظر می‌رسد باید برای ایجاد محیطی که کودک در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه داشته باشد، به‌دنبال جایگزین‌هایی برای رقابت باشیم؛ جایگزین‌هایی که انگیزش دانش‌آموزان را پرورش می‌دهند، اما بهای این انگیزه‌مندی لگدکوب کردن برخی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی آن‌ها یا ایجاد احساس کاذب و دور از اندیشه‌شان نیست. در زمان حاضر، فعالیت‌هایی که در ماهیت و ذات خود نمایانگر مقایسه‌ی بین دانش‌آموزان هستند و هر فرد را در برابر فرد دیگر قرار می‌دهند یا تلاش می‌کنند همه‌ی آن‌ها را در یک قالب بگنجانند، با رقابت نسبت دارند. به همین دلیل، مطروندن و نشانه‌ی ناآشنایی معلم با سایر ابزارها و مهارت‌های ممکن برای انگیزه‌مندی دانش‌آموزان در مسیر یادگیری هستند. برای رسیدن به این مقصود، راه‌های گوناگونی وجود دارند که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره شده است.

شیوه‌ی یاددهی یادگیری

یکی از تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های مهم و بایسته‌ی آموزگاران در کلاس درس، تعیین شیوه‌ی یاددهی یادگیری آنان است. در این مسیر، جایگاه دانش‌آموز و نحوه‌ی درگیر کردن او با جریان یادگیری معین می‌شود و به همین سبب، هنگامی که معلم در

بیشتر تضمین شود، درباره‌ی شیوه‌های مطالعه با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم به شیوه‌ی مطالعه‌ی خود توجه کنند و در صورت دریافت نکردن نتیجه‌ی مطلوب، آن را تغییر دهند. همچنین، شیوه‌های گوناگون مطالعه را به آن‌ها آموزش می‌دهم. برای مثال، از روش پس‌ختمام^۲ استفاده می‌کنم که در اغلب درس‌ها قابلیت کاربرد دارد و برای دانش‌آموزان مفید است.

فعالیت‌های کلاسی

همواره بخشی از ساعت آموزش و یادگیری به انجام فعالیت‌ها و تمرین‌هایی توسط دانش‌آموزان در کلاس اختصاص دارد که می‌تواند به ایجاد لذت از یادگیری منجر شود. این فعالیت‌ها درخصوص ویژگی افزایش انگیزش در دانش‌آموزان با تکالیف، مشابَهت فراوانی دارند. از دیگر شرایط می‌توان به گروهی کار کردن و ایجاد زمینه‌ی همیاری و همکاری بین دانش‌آموزان نیز اشاره کرد.

در کلاس من

کار کردن دانش‌آموزان در گروه و در کنار یکدیگر به‌طور فزاینده‌ای به بهبود شرایط یادگیری هر یک از آنان و نیز ایجاد انگیزه برای حرکت و تلاش بیشتر می‌انجامد. برای این منظور، دانش‌آموزانم را با نظارت و البته با دادن آزادی در انتخاب اعضا، در گروه‌هایی قرار می‌دهم تا برخی از فعالیت‌های کلاسی درون گروه انجام شود.

از آن جمله، خواندن اشعار کتاب و آهنگین کردن آن با کمک اعضای هر یک از گروه‌هاست. همچنین، گاهی زمان کلاس را به انجام کارهای گروهی مانند تهیه‌ی روزنامه‌دیواری یا انجام پروژه‌ی گروهی اختصاص می‌دهم تا در این فرصت، ضمن هم‌افزایی دانش‌آموزان، جذابیت یادگیری و بهره‌گیری از توان تک‌تک آنان افزایش یابد.

بدیهی است، برای ایجاد فضایی جذاب و انرژی‌بخش در کلاس، جز تکیه بر حرفه‌مندی آموزگار و عنایت ویژه به توانمندی‌های منحصربه‌فرد هر یک از دانش‌آموزان، نمی‌توان به دیگر مؤلفه‌ها اندیشید و نتیجه گرفت. قطعاً ایجاد رقابت بین‌فردی در کلاس درس و در طول فرایند یاددهی یادگیری می‌تواند نتیجه‌ی معکوس به همراه داشته باشد. اما جایگزین‌های چنین رقابتی نیز گسترده‌تر از نوشته‌ی یاد شده است. به همین سبب، از شما دعوت می‌شود در صورت تمایل به ارائه‌ی تجربیات خود در این زمینه، از طریق ارسال نوشته‌هایتان به دفتر مجله، اقدام کنید.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از کتاب مدرسه‌ی بدون رقابت، نوشته‌ی ابراهیم اصلانی، تهران: دوران، ۱۳۹۱
۲. پس‌ختمام سرواژه‌ای از مراحل شش‌گانه‌ی مطالعه یعنی پیش‌خوانی، سؤال کردن، خواندن، تفکر، از حفظ کردن و مرور کردن است.



در طول مسیر یادگیری دارد و می‌تواند تضمین‌کننده‌ی تعمیق و ماندگاری باشد. به همین سبب، انگیزه‌ای قوی در یادگیرنده ایجاد خواهد کرد.

در کلاس من

گاهی برای داشتن شروع خوب یک روز تحصیلی، به تلفیق برنامه‌ی صبحانه با محتوای درسی جدید روی می‌آورم. در این حالت، ساعتی از شروع روز را به خوردن صبحانه در کنار یکدیگر اختصاص می‌دهیم و با توجه به مقصود آموزشی مورد نظر، از دانش‌آموزان می‌خواهم برای مثال نان را به شکل دوزنقه برش دهند یا با موادی که در اختیار دارند، مخلوط یا محلول درست کنند. آغازهایی از این دست، به ایجاد انرژی مضاعف در ادامه‌ی راه و جذابیت کلاس درس کمک شایانی می‌کند.

تکالیف

تکالیف با هر منظور و به هر نوع که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شود، می‌تواند تعیین‌کننده‌ی افزایش یا کاهش انگیزه‌ی آنان برای یادگیری باشد. با این نگاه، تکالیفی با شرایط زیر، از جمله افزایش انگیزش دانش‌آموزان برای یادگیری هستند:

- تکالیف خلاقانه و بدون شکل و آهنگی تکراری.
- تکالیفی، متنوع است که به شکل‌های گوناگون قابلیت انجام و ارائه داشته باشد.
- تکالیفی متنوع است که دانش‌آموز بتواند از بین آن‌ها مواردی را برای انجام دادن انتخاب کند.
- تکالیف در حد توانایی دانش‌آموز.
- تکالیف متناسب و مرتبط با علاقه‌ها و سلیقه‌های گروه سنی مخاطب.

در کلاس من

برای اینکه در مطالعه‌ی خارج از کلاس نیز موفقیت دانش‌آموزان